

تولد دو باره یک ملت

انتخابات امروز نمودار کاملی از رشد سیاسی و علاقه مردم ما به سرنوشت شان بود. مردم با اشتراک وسیع خویش در انتخابات در واقع جواب دندان شکنی هم به طالب و پاکستان دادند و هم به آن عده از افغانانی که انتخابات را، به هر دلیلی که داشتند، محکوم می کردند.

پاکستان با طرح و تثبیت این موضوع که افغان ها هنوز به حد کافی رشد نکرده اند، مزیت دموکراسی و انتخابات را نمی فهمند، به دلیل بی ثباتی قادر به پیش برد امور خویش و اداره کشور شان نیستند و به علت حضور نیرو های بیگانه در افغانستان اصلاً انتخابات را تحریم می کنند، می خواست به هر شکلی که شده پروسه انتخابات را برهم بزند. یکی از دلایل شدت گرفتن حملات انتحاری، انفجار ها، حملات مسلحانه، ترور و هراس افکنی در میان مردم بی گناه ما طی دو - سه هفته اخیر بوسیله طالب و به دستور پاکستان همین بود. اما مردم ما نه تنها به طالب و پاکستان، که به مخالفین تندرو سیاسی وطنی انتخابات هم با شهادت و هوشیاری بی نظیری نشان دادند که بیشتر از این فریب آن هائی را که می خواهند مردم ما را از روند کار و فعالیت سیاسی و سهم گیری مستقیم و فعال در امور سرنوشت ساز جامعه شان به این یا به آن نام بازدارند، نمی خورند.

اشتراک زنان آگاه و باشهادت ما در این انتخابات واقعاً قابل ستایش است. وقتی مشارکت زنان در این انتخابات را با آنچه در دهه های گذشته - منظور زمان ظاهرخان و داوودخان است، زیرا در زمان ربانی و طالب اصلاً انتخاباتی وجود نداشت و در زمان خلق - پرچم که چیزی به طور نمایشی بنام انتخابات وجود داشت، انتخابات آزاد، عمومی و مردمی نبود - مشاهده می کردم به این فکر افتادم که دیگر محال است این ملت را از این مسیری که پیش گرفته است، متوقف ساخت.

جنگ پدیده بسیار منفوری است، اما آثار مثبتی خود را هم دارد. سی و پنج سال جنگ و خشونت و فشار و تحمیل و احتیاج و در به دری، تنها به یک جرعه احتیاج داشت. تنها به یک محرک که مردم به پا بایستند.

این جرعه را آزادی و دموکراسی و وجود ده ها تلویزیون و اخبار و جراید و هزاران مدرسه و مکتب و پوهنتون و روحیه عجیبی خود سازی مردم بوجود آورد! آمدن نیرو های ائتلاف در کشور ما و آشنائی مردم ما با جهان نو به مثابه یک محرک کار خود را کرد.

این هنوز شروع کار است! این هنوز شروع به پا خاستن یک ملت است، که سالیان درازی موقع چنین برخاستنی از ایشان با بی شرمی گرفته شده بود. در آرام ترین دوران و نظام - زمان ظاهرخان - هیچ کدام ما شاهد جنب و جوش این چینی در انتخابات ها نبوده ایم!

اگر خلاف گفته ام، بفرمائید!!

به عکس زیر که از صفحه بی.بی.سی. فارسی کاپی شده است، نگاه کنید:



کدام یک از ما، و در کدامین دوره و کدامین نظام شاهد چنین شور و شوق و علاقه در زنان چادری به سر - یا زنان رو برهنه - خویش در روز انتخابات بوده ایم؟؟ گفته شده است که هوای شهر کابل در این روز بارانی بوده است. ولی مردم با آن هم برای ادای وجبیه ملی شان با اشتیاق و بدون هراس از باران و سردی، و از انفجار و انتحار و تهدید به مراکز رأی گیری مراجعه کرده اند؟ از دوستی شنیدم که زن شصت و پنج ساله ای که با دو نواسه، یکی شش ماه و دیگری سه ساله - چون در خانه کسی نداشت که از این دو کودک مراقبت کند - سه ساعت منتظر شده تا نوبت وی رسید که به درون مرکز رأی گیری برود و رأی بدهد. و تعدادی هم پلاستک هائی را به بالای سر های شان گرفته بودند که تر نشوند! به این می گویند معجزه؛ اما سبب این معجزه چه بود؟! قرار اطلاع تلویزیون های یک من، طلوع و خورشید، شرکت مردم در انتخابات به اندازه گسترده و وسیع بوده است که حوزه های رأی گیری که با کمبود برگه های رأی مواجه شده بودند، مجبور گردیدند برگه های اضافی تهیه ببینند. بعضی از مردم وقتی شنیدند که برگه رأی تمام شده است، با عجله خود را به حوزه های دیگر رساندند تا از دادن رأی محروم نمانند! مدت ساعات رأی گیری هم به همین دلیل برای دو ساعت، تا ساعت شش شام، تمدید شد. کسانی که به حوزه های دیگر نرفته بودند، تا رسیدن برگه های رأی در زیر باران منتظر ماندند!

به این عکس هم که ترکیب مردمی از هر قوم و گروه و تبار و تحصیل و آگاهی و سن و موقعیت اجتماعی هستند، نگاه کنید:



ولی:

باوجود این شور و هیجان، باوجود این صف های طولانی، باوجود این همه انتظار و حوصله و دلگرمی، من هرگز نخواهم گفت که همه کار های ما سامان گرفته است و ما دیگر هیچ مشکلی در کشور خود نداریم.

طبیعیست که چنین نیست، اما با دیدن این عکس ها می توانم این حکم را با قاطعیت بکنم که خوشبختانه سامان گرفتن کار های ما از زمانی در گذشته ای نه چندان دور آغاز یافته است. نمونه آن همین حرکت ها، همین صف ها و همین مردم علاقمند به سرنوشت و زندگی شان هستند؛ همین سالخوردگانی که دوشادوش جوانان شان - هم زنان و هم مردان - برای انجام رسالتی بس بزرگی با حوصله مندی کامل در انتظار نوبت خویش می باشند.

این پیش آمد را می توان تولد واقعی و دو باره این ملت نامید. تولدی که می توان آن را هم به خود، هم به دوستانی که انتظار چنین روزی را داشتند، هم به این ملت و هم برای تمام کسانی که در این خوشی با ما شریک بودند و هستند، تریک بگوئیم.

افغانستان با دموکراسی واقعی، و با نگاهی به گذشته و آینده خود دو باره ظهور می کند. با دموکراسی واقعی که در نهایت پیام دهنده آزادی و رهائی انسان از اسارت انسان خواهد بود.

عصر حاکمیت جهانی و توسعه طلبی و یک جانبه گرائی های امریکا و هر کشور دیگری که به چنین تشبثاتی دست می زند، بالاخره به پایان می رسد، ولی ملتی که چنین فشرده با پا می خیزد، هرگز از صحنه خارج نمی شود. هدف من به پا خاستن این ملت است. این که کی وی را به پا می خیزاند و چگونه، برایم مهم نیست!!

امکانات و شیوه های که این ملت را چنین به پا ایستاده کرده است، مورد تأیید من است. در مورد آینده هم من به این اعتقاد هستم که همین مردم در موقع لازم باید در روشنی عقل و دانش و تجربه و شناخت دقیق و در آزادی کامل تصمیم بگیرند.

آینده را همین مردم می سازند؛ نه یک یا دو شخص متوهم به تنهایی و بدون هیچ امکاناتی!

